

# کلام جدید

جلسه دوازدهم: نقد نظریه داروین - بخش اول

استاد احسان عبادی

تایپ و تنظیم:  
محمد جواد اسماعیلی

۱۳۹۸

مقدمه

پایه گذاران تفکر داروین

سیر تاریخی پیدایش نظریه داروین

طرح مسئله نظریه داروین

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَ  
نَاصِرًا وَدَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تَمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

السلام عليك يا مولانا يا صاحب العصر و الزمان، السلام عليك يا بقيه الله في ارضه.

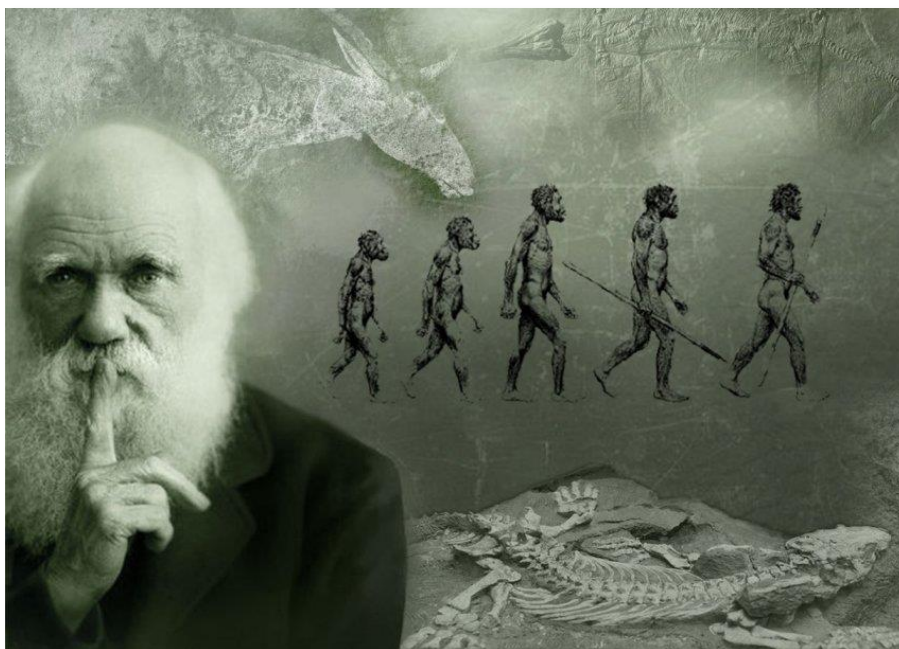
خدایا ، در این لحظه و در تمام لحظات ، سرپرست و نگاهدار و راهبر و یاری گر و راهنما و دیدبان ولیّات ، حضرت  
حجّه بن الحسن ، که درودهای تو بر او و بر پدرانش باد ، باش، تا او را به صورتی که خوشایند اوست ، و همه از او  
فرمانبری می نمایند ، ساکن زمین گردانیده ، و مدّت زمان طولانی در آن بهره مند سازی.

#### مقدمه

به بحث نظریه داروین می رسیم. قرار نبود بحث داروین را مطرح کنیم چون چیز قدیمی بود و از آن گذشته بود اما  
متاسفانه جوانان ما طرفدار این نظریه هستند و گاهی حتی در دانشگاهها که برای سخنرانی رفتیم برخی جوانان در  
صحبت هایشان از این نظریه دفاع کردند که ما از نسل میمون هستیم.

متاسفانه کتاب جدیدی هم در سطح کشور در حال پخش است. با آنکه گفتند ممنوعه است اما متاسفانه در جاهایی  
مشاهده شده است. متاسفانه فروش اینترنتی این کتاب زیاد است و در فروشگاههای حضوری هم بنده دیدم. کتابی  
با نام انسان خردمند که نویسنده صهیونیستی نوشته که کتاب بسیار بسیار پرفروشی در دنیاست. جلد دوم با نام  
انسان خدا گونه تالیف شده است. بنده جلد اول یعنی انسان خردمند را کامل خواندم و مشغول خواندن انسان  
خداگونه هستیم. در انسان خردمند نویسنده صهیونیستی از گذشته بشر صحبت کرده و ما را از نسل میمون دانسته  
است. یعنی نظریه تکامل داروین را مطرح کرده است. این کتاب امروز متاسفانه بین جوانان پخش شده است. کتابی  
که دست بنده است متاسفانه چاپ دوازدهم است. باید روی نظریه داروین کار شود. ذهن جوانان ما از این قضیه  
خالی کنیم یا به آنها آمار صحیح بدهیم. حداقل به جوان این را برسانیم که نظریه داروین یک وحی منزل و یک امر  
قطعی نیست که همه پذیرفتند، بلکه خیلی هم مخالف دارد. متاسفانه گروههای بسیاری از جمله مادیون که خدا را  
قبول ندارند از نظریه داروین به عنوان یک سند بر ضد خدا استفاده می کنند و حتی متاسفانه متاسفانه در برخی  
مدارس ما توسط دبیران زیست شناسی به عنوان یک سلاح ضد دین از این قضیه استفاده می شود. جالب اینجاست  
که خود همین دانشمندان غربی می گویند داروین خداشناس بود و خدا را قبول داشت. نظریه او این طور نبود که  
برخی ها می گویند. هر چند تکامل را هم قبول داشت ولی خدا را هم قبول داشت اما متاسفانه این طور شده که یک  
عده هم از این طرف چماق تکفیر را به دستشان گرفتند و هر کسی که روی قضیه داروین تحقیق و کار می کند و یا

در ابتدائیات این قضیه است او را می رانند. این هم رویه غلطی است. ما اعتقاد داریم یک امر غلط را باید با پاسخ علمی جواب داد.



نظریه داروین

از طرفی نکته خیلی مرموزانه و زیرکی که امروزه در این فضا و در این دوران جلو می رود این است که مترجمان نظریه داروین را طوری مطرح می کنند که انگار فقط همین نظریه داروین است و بس، و کار علمی و شرعی نمی کنند که نظریات مخالفین را هم پخش کنند. ما امروزه مخالفین زیادی با نظریه داروین داریم. حتی در خارج هم خیلی مخالف داریم که اصلا مسلمان هم نیستند. غیر ایرانی و غیر مسلمان هایی از دانشمندان دنیا داریم که این نظریه را رد کردند. ما از کسانی که نظریه داروین را مطرح می کنند سوال می کنیم شما چرا این نظریه را به موازات اینکه نظریه داروین را می گوئید پاسخ مخالفین را بیان نمی کنید. کار علمی یعنی اینکه نظریه ای را توضیح می دهید نظر مخالفین را هم مطرح کنید. ببینید حرف آنها چیست و حرف آنها را نقد کنید. تقریبا شبیه کاری که ما در دوره محامین در بحث ولایت فقیه کردیم. ابتدا ولایت فقیه را اثبات کردیم و بعد روایاتی را که مخالفین مطرح می کنند را نقد می کنیم. اگر می خواهید مدرس خوبی شوید یکی از شیوه ها این است که در کلاس خودتان نظریات مخالف را مطرح کنید و آنها را نقد کنید. چون جوان نظریه شما را می شنود و بعد نظریه مخالف را از جای دیگری می خواند و مخالف نظر شما می شود. ولی اگر شما نظریه مخالف را سر کلاس توضیح دهید و نقد کنید خیلی زیباتر است و برای طرف مقابل فهم می شود.

در این بین یک عده هم دفاع بد می کنند. می گویند بدترین نوع حمله دفاع بد است، این افراد فقط به تئوری داروین حمله می کنند و می گویند کفر و الحاد است و آن را دور بیندازید و نجس است بدون اینکه مطالعه کنند و بحث علمی هم در این زمینه داشته باشند. فرزندان این افراد نظریه داروین را در دانشگاهها با اصطلاحات علمی یاد می گیرند حالا بزرگترهای این فرزند بلد نیستند علمی پاسخ دهند. آن فرد البته با مغالطه های علمی نظریه داروین را اثبات می کند بعد ما سلاح علمی نداریم تا علمی با این قضیه بحث کنیم. اینها نکات علوم و کلام جدید است که باید باید اینها مطرح شوند در حوزه ها و دانشگاهها تا جوانان ما بدانند هر چیزی که یک دانشمند غربی مطرح کرده است لزوماً درست نیست.

آقای سبحانی در کتاب مسائل کلامی جدید خودشان در بحث نظریه داروین می گویند: از روزی که تئوری داروین در کشورهای اسلامی پخش شد، از طرف علمای اسلامی کتاب مستدل و مستقلى در این زمینه منتشر نشده است، بلکه فقط در کتاب فیلسوف نماها از آیت الله ناصر مکارم شیرازی و در کتاب قصص قرآن نویسنده آقای صدر بلاغی مباحثی به تناسب موضوع آمده است. در این میان تنها مرحوم شیخ محمد رضا اصفهانی کتابی تحت عنوان نقد فلسفه داروین در دو جلد و پانصد صفحه به عربی نوشته که در سال ۱۳۳۱ هجری قمری یعنی حدود تقریباً صد سال قبل در عراق چاپ شد. پس می بینیم خیلی کتاب های متعدد نوشته نشده است. مقالاتی چاپ شده است ولی کتاب هایی که با نظر خوب و درست به دست مردم برسد متأسفانه چاپ نشده است. ما سعی می کنیم در نقدهایی که بر مباحث داروین داریم بیشتر از نظریات استاد آیت الله سبحانی از مراجع بزرگ تقلید استفاده کنیم که ایشان در بحث کلام و فلسفه انسان فوق العاده قدرتمندی هستند و زبان شیوا و روانی هم دارند که توصیه می کنم به عزیزان پژوهشگر که دوست دارند مباحث اصول دین را به صورت عقلی و نقلی یاد بگیرند رابطه وحی با عقل، رابطه علم با دین علمی که مربوط به مسائل عقلی و نقلی است به کتاب های ایشان رجوع کنند. ایشان متأسفانه در مباحث علمی مظلوم هستند.

### پایه گذاران تفکر داروین

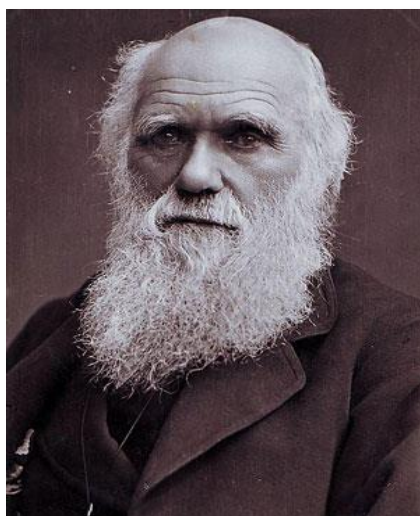
نظریه داروین را بیشتر با نام مسئله تکامل می شناسند. تقریباً در قرن هفدهم مطرح شد و طرفداران جدی خودش را پیدا کرد. نخستین کسی که فرضیه تحول را با اینکه روش علمی آن را تشریح کرد و اساس آن بر مبنای علوم طبیعت پایه ریزی کرد دانشمند معروف فرانسوی به نام لامارک است. در سال ۱۷۴۴ میلادی متولد شد و در سال ۱۸۲۹ میلادی هم از دنیا رفت. اولین بار ایشان مطرح کرد، اما بعد از او آقای چارلز داروین که در سال ۱۸۰۹ به دنیا

آمد و در سال ۱۸۸۲ هم از دنیا رفت، یعنی تقریباً در قرن نوزدهم دانشمند انگلیسی به نام آقای چازل داروین قضیه تکامل را مطرح کرد و تقریباً این نظریه تکامل زاینده تفکرات لامارک فرانسوی و داروین انگلیسی است.



ژان بتیست لامارک فرانسوی - پایه گذار نظریه داروین

جالب اینجاست که بیشتر اصول چهارگانه نظریه داروین که خواهیم گفت در نوشته های لامارک موجود است و در حقیقت باید بگوییم پایه گذار اصلی واقعه لامارک است و نمی توانیم نقش او را در نظریه تکامل نادیده بگیریم. حالا چه دست هایی در کار است که یک نویسنده انگلیسی را بزرگ می کند اما نظریه پرداز فرانسوی که پایه گذار نظریه داروین بوده را از یادها برده است. شاید شما تا به حال نام لامارک را نشنیده باشید که ایشان ابتدا نظریه تکامل را مطرح کرد. انگلیسی ها عادت دارند هر چیزی را به نام خودشان ثبت کنند.



چارلز داروین

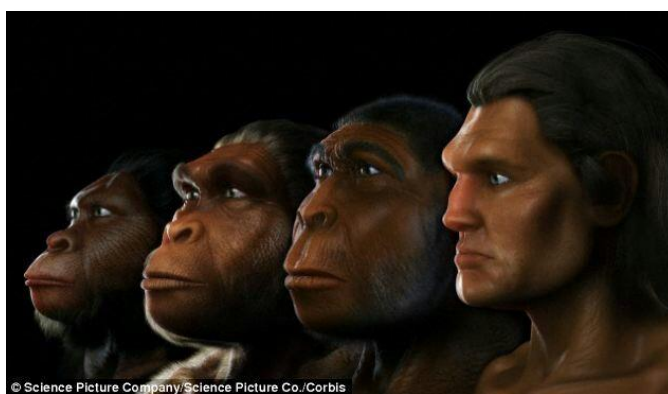
## سیر تاریخی پیدایش نظریه داروین

اینکه بدانیم چرا نظریه داروین در اروپا مطرح شد و این نظریه انقدر صدا کرد، باید در عواملی بدانیم که کلیسا و پاپ آن زمان به وجود آورده بودند. محافل علمی اروپا برای قرون زیادی تحت سیطره کلیسا و پاپ بود و آنها از علوم برای تثبیت مقام خودشان استفاده می کردند و اگر دانشمندی چیزی می گفت که بر خلاف نظر آنها بود آن دانشمند را تکفیر یا اعدام می کردند و یا در نطفه خفه می کردند. کسی جرات نداشت در مورد کتاب مقدس انجیل و فرضیه هایی که دارد صحبت کند. هر چند انجیل کتابی آن چنان علمی مانند قرآن نیست ولی مطالبی که دارد دانشمندی جرات نداشت خلاف انجیل تحریف شده صحبت کند. نمونه مشهور بلایی که بر سر گالیله آوردند. گالیله می گفت زمین می چرخد ولی فضای علمی آن زمان گالیله و امثال او را در نطفه خفه می کردند. در چنین فضایی نظریه داروین رشد پیدا کرده بود. کتاب مقدس، زمین را مرکز جهان و غیر متحرک معرفی کرده بود. هر کس خلاف آن را ثابت می کرد او را مرتد و کافر می دانستند. به همین خاطر جهان و اروپا مدتها در جهل و گمراهی بود و به جای اینکه پیشرفت و ترقی کند درجا می زند. یکی از دلایلی که پروتستانیزم مارتین لوتر علیه کلیسای کاتولیک قیام کرد و دوران قرون وسطی به بعد تمام شده بود و دروان تکامل شروع شده بود قضیه همین است که علیه دستگاههای پاپ و کلیسای آن زمان انقلاب و نهضت علمی ایجاد کردند.

وقتی انقلاب و نهضت علمی ایجاد شد و علیه دستگاه کلیسای خشک و پاپ هایی که با علم مخالف بودند نهضتی ایجاد شد و کاملاً آنها را به عقب راندند، بهترین فرصت برای دانشمندان بود تا انتقام خودشان را از دستگاه پاپ بگیرند و با کشف قوانین علمی و گسترش آنها که حتی خیلی از آنها بر خلاف کتاب مقدس بود، دستگاه پاپ و کلیسا را بکوبند. حالا فرصت انتقام بود و دور دانشمندان بود. نظریات علمی که مخالف فرضیه های کلیسا و پاپ ها بود. داروین هم با روش های طبیعی و تجربی در همان فضا موضوع تحول و تکامل انواع ( یعنی نوع های حیوانات ) را مطرح کرد و رشد داد تا به انسان رسید.

الانسان هو الحيوان الناطق. از لحاظ منطقی انسان یک حیوان ناطق و سخنگوست. از لحاظ منطقی کسی به انسان حیوان بگوید هیچ توهینی نیست چون در علم منطق انسان را حیوان ناطق یعنی سخنگو می دانند. داروین در چنین فضایی نظریه تحول و تکامل انواع خودش را مطرح کرد و کتابی را با نام بنیاد انواع چاپ کرد که این کتاب خیلی صدا کرد و در محافل علمی مورد پذیرش قرار داده شد. حالا دستاویز محکمی هم بعد از چاپ این کتاب به دست مخالفین پاپ افتاد. برای کوبیدن تشکیلات دینی آن زمان از طریق نظریه داروین، گفتار کتاب مقدس را مسخره می

کردند. چون نظر کتاب مقدس این بود که ما تکامل انواع نداریم بلکه ثبوت انواع داریم. انسان از قبل انسان بوده است، ممکن است در طول تاریخ قد او بالا و پایین شده باشد ولی نوع انسان در طول تاریخ بوده است نه اینکه از میمون به انسان تبدیل شویم. آنها با نظریه داروین مطالب کلیسا و کتاب مقدس را مسخره می کردند. ولی مشخص بود این استقبال بیشتر جنبه سیاسی داشت. یعنی بیشتر از اینکه نظریه داروین در آن سالها از طریق علمی استقبال شود بیشتر سوء استفاده سیاسی شد، چون می خواستند دستگاه پاپ را بکوبند. شاید خیلی از طرفداران نظریه داروین در ابتدا این نظریه را قبول نداشتند و اصلاً نمی دانستند این قضیه چیست، ولی فقط برای اینکه جوی علیه دستگاه پاپ راه بیندازند طرفداری کردند.



دوران جنگ سرد تمام شد و به قول معروف آب ها از آسیاب افتاد. دانشمندان هم حس انتقام جویی و کینه توزی از دستگاه پاپ را کنار گذاشتند و حالا می خواستند از لحاظ علمی و منطقی طبق اصول روز، نظریه داروین را بررسی کنند.

ما انشالله در این مباحث روشن خواهیم کرد که موضوع تکامل انواعی که آقای داروین گفته یک فرضیه ای بیش نیست و هنوز در ردیف مسائل علمی مسلم جهان قرار نگرفته است. فرضیه را نمی توانیم علم روز و قانون اثبات شده بدانیم و هنوز به مرحله اثبات نرسیده است.

### طرح مسئله نظریه داروین

روی زمین جانداران و گیاهان زیادی مشاهده می شوند که اکنون انواع مختلف را می بینید. حالا این مسئله در افکار ما به وجود می آید که آیا تمام این جانداران و گیاهان از روز نخست به همین شکل بودند یا اینکه در مسیر تحولی به این شکل درآمدند؟

آیا یک درخت گردو از ابتدا به این شکل و این بزرگی بود؟



آیا هندوانه از ابتدا چنین اندازه ای داشت؟

آیا آهو از ابتدا این شکلی بود و اجداد هزار سال قبلش این شکلی بودند؟

این سوال در ذهن ما پیش می آید که هم حیوانات و هم گیاهان و هم انسان از ابتدا این شکلی بودند؟

آیا اجداد دو هزار سال قبل ما این شکلی بودند؟

باید روشن تر بگوییم. آیا هر نوع از حیوانات و گیاهان یک واحد قالبی داشتند و از این واحد تجاوز نکردند؟ مثلاً

اسب از ابتدا به این شکل بود؟

اینها طرح مسئله و سوالانی است که در اذهان پیش می آید.

شما فرض کنید اسبی که الان داریم حاصل تغییر تدریجی یک نوع حیوان دیگر به شکل اسب امروزی بوده است.

مثلاً حیوانی که از ابتدا یال و دم و سم نداشت ولی اسب امروزی دم و یال و سم دارد. یعنی به مرور

زمان این شکلی شد؟

یا مثلاً گاو از ابتدا این شکلی بود؟

یک حیوانی بود تقریباً شبیه به گاو که به مرور زمان تکامل پیدا کرد و این شکلی شد؟

اگر بگوییم این تکامل داروین به صورت تدریجی و در طول زمان شکل گرفته است همین نظریات شبیه به آقای

لامارک و داروین است. اگر بگوییم این روند تکامل از نوع دیگری از حیوان به این نوع فعلی گاو یا اسب دفعی بود،

یعنی ناگهانی بود به آن نظریه موتاسیون یا جهش می گویند. این هم یکی از نظریاتی است که یک عده جدیداً مطرح

کردند. اما اگر بگوییم از ابتدا قالب همین بوده است و حالا ممکن است تغییرات جزئی هم بوده باشد ولی اگر غالب

اصلی بوده است نظریه ما دین داران می شود. نه فقط مسلمانان بلکه نظریات دین داران دیگر ادیان هم هست.

پس این طرح بحث ما از نظریه داروین بود. دوستان مباحث را روی کاغذ بیاورند و حلای کنند.